

رایانه (کامپیوتر)

پدرم گفت به من سخنی جانانه ...



پدرم گفت به من سخنی جانانه

از همان چیزی که اسمش هست رایانه

صورتی دارد او کوچک و رنگین است

اسم او مانیتور وزن او سنگین است

صورتش چون تی وی جعبه ای از شیشه

از دو دوست دیگر او جدا همیشه

اولین دوست او صفحه کی برد است

صفحه ای پر دکمه یک کمی هم ترد است

دوست بعدی او جعبه ای پر شور است

با دو تا دوست خود آشنا و جور است

دست در دست هم چقدر خوشحالند

جنب و جوشی دارند همگی پر کارند